

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## تشهّد

در رکعت دوم نماز و آخرین رکعت آن، بعد از سجده‌ی دوم، تشهّد است. اکنون به بحث تشهّد وارد می‌شویم.

## آداب ظاهری تشهّد

بعد از سجده‌ی دوم فرد می‌نشیند. در بحث سجده توضیح دادیم که در نشستن بین دو سجده، حالت تَوَرُّک<sup>۱</sup> مستحب است. "تَوَرُّک" یعنی اینکه وقتی فرد دو زانو نشست، باطن و شکم کف پای چپ او با رویه‌ی پای راستش، روی هم قرار بگیرند و مقداری هم متمایل به سمت چپ نشسته باشد؛ به‌گونه‌ای که عمده‌ی وزن او روی پای چپ قرار بگیرد. به این حالت اصطلاحاً "تَوَرُّک" می‌گویند. روایتی را هم خواندیم که این حالت حاوی معنایی است؛ این یک حالت سمبلیک است. پای چپ را به‌مثابه‌ی باطل قرار می‌دهد و پای راست را به‌منزله‌ی حقّ. روی پای چپ مسلط می‌نشیند و خود را به باطل مسلط می‌کند. در حقیقت این حالت سمبل غلبه بر باطل است. در ذره ذره‌ی آنچه در مستحبات نماز است، معانی و اسراری وجود دارد.

در حالت تشهّد هم مستحب است نمازگزار به همان حالت "تَوَرُّک" بنشیند. اگر پای برخی به‌گونه‌ای است که نمی‌توانند آن‌طور بنشینند؛ عیبی ندارد. انسان در حالت تشهّد به هر حالت دیگری هم بنشیند، عیبی ندارد؛ می‌تواند دو زانو بنشیند. حتی اگر نمی‌تواند

۱. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۶۶۱ و حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۱۰۷ و مجلسی، بحار، ج ۴۷، ص ۴۸.

دوزانو بنشینند، مثلاً پای او ناراحتی دارد؛ چهارزانو بنشیند و حتی اگر کسی چهارزانو هم نمی‌تواند بنشیند؛ مثلاً عذر یا بیماری‌یی دارد، می‌تواند پاهایش را دراز کند؛ ولی حالت بهتر و برجسته‌تر، همان حالت تَوَرُّک است که خدمتتان عرض کردیم. نمازگزار در تشهد به این حالت می‌نشیند، دست‌ها را به محاذات زانوهای خود روی ران‌ها می‌گذارد، درحالی‌که انگشت‌ها به هم چسبیده است و از هم باز نیست؛ کف دست‌ها را به محاذات زانو درست روی پا قرار می‌دهد و شروع می‌کند به گفتن ذکر تشهد.

ذکر تشهد بخش واجبی دارد که خیلی محدود است. آن شهادت به وحدانیت خدا، رسالت پیغمبر ﷺ و صلوات است؛ اما ذکر تشهد مقدمات و ملحقاتی هم دارد که آن را خیلی غنی‌تر می‌کند.

اینها را که عرض می‌کنم، نمی‌خواهم بگویم همه را انجام دهید؛ ولی ائمه‌ی ما ﷺ و برجستگان از شاگردان ایشان این کار را می‌کردند. کسانی که عبّاد و اهل عبادت‌های پر-عیارند هم، از این نکات بهره می‌برند؛ ولی شاید برای عموم مردم سنگین باشد. اینهایی را که عرض می‌کنم، می‌خواهم لااقل آشنا باشید که اگر کسی را دیدید که به این شکل تشهد می‌خواند، نگوید تشهد این شخص باطل است؛ نماز او غلط است. بدانید که او تشهد را تمام‌عیارتر می‌خواند.

**مستحبات ذکر تشهد در رکعت دوم**

قبل از ذکر شهادتین خوب است انسان بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ خَيْرُ الْأَسْمَاءِ لِلَّهِ»<sup>۲</sup> یعنی این شهادتی که می‌خواهم بدهم، این شهادت را «بِسْمِ اللَّهِ» می‌دهم. (معنای «بِسْمِ اللَّهِ» را در «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» سوره‌ی حمد، مفصل گفته‌ایم.) «وَ بِاللَّهِ» انجام می‌دهم. خودم کاره‌ای نیستم. به توفیق، مدد و نیروی الهی این تشهد را می‌گویم. «وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ» حمد تماماً سزاوار خداست و هر حمدی که به‌جا می‌آید، به خدا برمی‌گردد (حمد به معنای بی که در «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»<sup>۳</sup> سوره‌ی حمد به‌طور مفصل گفته‌ایم). «وَ خَيْرُ الْأَسْمَاءِ لِلَّهِ» و بهترین اسماء و صفات متعلق به خدا و از آن اوست.

هم گفتن این ذکر خوب است؛ هم ذکر تشهد نماز پیغمبر ﷺ در معراج که به این گونه بود: «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى كُلُّهَا لِلَّهِ»<sup>۴</sup>. این دو ذکر از نظر مفهوم به هم نزدیک هستند. «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ» این ذکر که مشابه ذکر اول است. «وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» معبودی جز الله نیست. «وَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى كُلُّهَا لِلَّهِ» همه‌ی اسماء و صفات نیک، یک‌جا از آن خداست. سپس می‌گوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ»<sup>۵</sup>. بعد ذکر واجب تشهد است: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ» شهادت می‌دهم که معبودی جز خدا نیست؛ خدایی که یگانه است و شریکی ندارد. شاید این سه تعبیر توحیدی، همان سه مرتبه‌ی توحید افعالی، صفاتی و ذاتی باشد. «لا

۲. حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۶، ص ۳۹۳ و بهائی، مفتاح الفلاح، ص ۵۹ و تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۹۹ و ۱۰۰ و فیض، وافی، ج ۸، ص

۷۷۰.

۳. سوره‌ی حمد، آیه‌ی ۲.

۴. کلینی، کافی، ج ۳، ص ۴۸۶ و مجلسی، بحار، ج ۱۸، ص ۳۵۹ و عروسی‌حویزی، نورالتقلین، ج ۳، ص ۱۱۸.

۵. حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۶، ص ۳۹۳ و طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۹۲ و فیض‌کاشانی، وافی، ج ۸، ص ۷۶۷.

إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» یک توحید، «وَحْدَهُ» دومین توحید، «لَا شَرِيكَ لَهُ» هم سومین توحید. شاید این سه مرتبه‌ی مقامات توحید باشد و در نتیجه شهادت به هر سه مرتبه‌ی توحید باشد. فعلاً خیلی وارد معانی تشهّد نشویم. معانی آن را بعداً برایتان می‌گوییم. فعلاً ادب ظاهریش را می‌گوییم.

«وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ؛ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ» قبل از ذکر صلوات ذکر مستحبّی وجود دارد؛ که انسان بعد از «عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ» بگوید: «أَرْسَلَهُ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا»<sup>۶</sup> خدای متعال، پیغمبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را به حق فرستاد و او، هم بشارت‌دهنده و هم هشداردهنده و اندازکننده بود. «بَيْنَ يَدَيْ السَّاعَةِ» خدا پیغمبر خاتم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را در آستانه‌ی قیامت به رسالت مبعوث کرد و بعد از او تا قیامت پیامبری نیست. «أَشْهَدُ أَنَّ رَبِّي نِعَمَ الرَّبِّ»<sup>۷</sup> یا «أَشْهَدُ أَنَّكَ نِعَمَ الرَّبِّ»<sup>۸</sup> هر دو شکل در روایات آمده است. «وَأَنَّ مُحَمَّدًا نِعَمَ الرَّسُولِ» شهادت می‌دهم که پروردگار من خوب پروردگاری است؛ یا تو که پروردگار من هستی، خوب پروردگاری هستی. خدای من! تو چقدر خوبی! شهادت می‌دهم که تو خیلی خوبی و شهادت می‌دهم که پیغمبر اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هم خیلی پیغمبر خوبی است.

امیدواریم این "خیلی خوب است"ها از ته دل انسان بیرون بیاید. نمازگزار به راستی با خدا صمیمی و از خدا راضی و خشنود باشد و بگوید: خدایا! تو چقدر خوبی! در پوست خود و

<sup>۶</sup> سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۱۹ و سوره‌ی فاطر، آیه‌ی ۲۴.

<sup>۷</sup> حرّعاملی، وسائل الشّیعة، ج ۶، ص ۳۹۳ و مجلسی، بحار، ج ۸۲، ص ۲۹۰ و طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۹۹.

<sup>۸</sup> حرّعاملی، وسائل الشّیعة، ج ۶، ص ۳۹۳ و مجلسی، بحار، ج ۸۲، ص ۲۹۰ و طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۹۹.

در ظرف وجودیش نگنجد که بتواند آن خوبی خدا را اظهار کند. و بعد هم پیغمبر-  
اسلام ﷺ چقدر پیغمبر خوبی است. امیدواریم اینها باورمان بیاید.

به خاطر دارید که موقع تلقین میت هم همین را به او می‌گویند. وقتی میت را در قبر گذاشتند، می‌گویند: «اسْمِعْ اِفْهَمْ يَا فُلَانُ بِنَ فُلَانٍ»<sup>۹</sup> گوش کن؛ بفهم؛ ای شخصی که اسمت این است و فرزند فلان شخص، به این نام هستی. «أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى نِعْمَ الرَّبُّ ...»<sup>۱۰</sup> خدای تبارک و تعالی خلی خوب خدایی است و پیغمبر اسلام ﷺ خلی خوب پیامبری است و ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام خلی خوب امامانی هستند. چرا بگذاریم موقع مرگ کسی بیاید برای ما تلقین بخواند. آنجا به ما بگویند خدا، خوب خدایی است. امیدواریم تا زنده-ایم، همین جا به خودمان تلقین بخوانیم و بباورانیم. بگوییم: خدای ما خلی خوب خدایی است! چقدر خدای خوبی است! پیغمبر ما ﷺ چقدر پیامبر خوبی است! اینها را به خودمان بباورانیم؛ که ان شاء الله همین جا بهره‌هایش را ببریم.

بعد از اینکه شهادت می‌دهد که خدای من چه خوب خدایی است و پیامبرم ﷺ چه خوب پیامبری است؛ صلوات می‌فرستد: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ» و خوب است در ادامه هم بگوید: «وَ تَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ فِي أُمَّتِهِ؛ وَ اذْفَعْ دَرَجَتَهُ؛ وَ قَرِّبْ وَسِيلَتَهُ؛ وَ اخْشُرْنَا مَعَهُ»<sup>۱۱</sup> در بعضی از روایات دیدم، عبارات «وَ اَنْصُرْ شَيْعَتَهُ»<sup>۱۲</sup> هم هست، که دعاست. می‌گوید: خدایا! شفاعت

<sup>۹</sup>. مجلسی، زاد المعاد، ص ۳۵۲ و محدث قمی، مفاتیح الجنان، تلقین میت.

<sup>۱۰</sup>. مجلسی، زاد المعاد، ص ۳۵۳ و محدث قمی، مفاتیح الجنان، تلقین میت.

<sup>۱۱</sup>. مجلسی، بحار، ج ۸۲، ص ۲۸۸ و حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۶، ص ۳۹۳ و طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۹۹.

<sup>۱۲</sup>. فیض کاشانی، اسرار نماز، ص ۴۳.

پیامبر ﷺ را در حق امتش بپذیر. خدایا! مرتبه و درجات پیامبر ﷺ را از این مرتبه- ای که هست، بالاتر ببر. خدایا! جایگاه پیامبر ﷺ را به خودت نزدیک تر کن. خدایا! ما را با پیامبرت ﷺ محشور کن. (چه در دنیا و چه در قیامت، همه جا با پیامبر تو ﷺ محشور باشیم) و پیروان پیامبرت ﷺ را هم یاری کن. این ذکر تشهد برای رکعت دوم، به شرط اینکه نماز صبح نباشد، که رکعت آخر نماز باشد.

### مستحبات ذکر تشهد در رکعت آخر نمازها

در رکعت آخر، که اگر نماز صبح است، رکعت دوم؛ اگر مغرب است، رکعت سوم؛ یا اگر ظهر، عصر و عشاء است، رکعت چهارم، فرد تشهد را که می خواند؛ بعد از اینکه شهادت داد به اینکه «أَشْهَدُ أَنْ رَبِّي [أَشْهَدُ أَنْكَ] نِعْمَ الرَّبُّ وَ أَنْ مُحَمَّدًا نِعْمَ الرَّسُولُ»؛ خوب است این عبارات را بگویند: «التَّحِيَّاتُ لِلَّهِ» یعنی ثنا و آفرین ها همه سزاوار خدا و شایسته ی اوست. «و الصَّلَاةُ الطَّاهِرَاتُ الطَّيِّبَاتُ الزَّكَايَاتُ الْغَادِيَاتُ الزَّائِحَاتُ السَّابِغَاتُ التَّائِعَاتُ لِلَّهِ مَا طَابَ وَ زَكَ وَ طَهَّرَ وَ خَلَصَ وَ صَفَى فَلِلَّهِ» یعنی همه ی صلاة ها، نمازها و دعاها شایسته ی خداست. «الطَّاهِرَاتُ» نمازهایی که از شرک (چه شرک جلی و چه شرک خفی، مثل ریا) طاهر و پاک است؛ «الطَّيِّبَاتُ» نمازهایی که از کسالت، بی میلی، بی رغبتی، رخوت و غفلت در هنگام آن نماز، پاک است، چنین نمازهایی شایسته ی خداست. «الزَّكَايَاتُ» نمازهایی که از اغراض نفسانی و دنیوی خالی است؛ «الغَادِيَاتُ» نمازهایی که در صبحگاهان و اوایل روزها انجام می شود؛ «الزَّائِحَاتُ» نمازهایی که در عصرگاهان و پایان روزها به جا آورده می شود؛ «السَّابِغَاتُ» نمازهایی که تمام عیار، غنی، رسا و با همه ی شروط آن به جا آورده می شود؛ «التَّائِعَاتُ» نمازهایی که با اوج شغف، شوق و شادابی به جا آورده می شود. «مَا طَابَ وَ زَكَ وَ طَهَّرَ وَ خَلَصَ وَ صَفَى فَلِلَّهِ» آنچه

از این نمازها که پاک است؛ از آرایش مبراً و منزّه است؛ از آنچه شایسته نیست، طاهر است؛ بی‌غشّ و بی‌غلّ است و با صفای کامل خوانده می‌شود؛ چنین نمازهایی از آن خداست. بعد از این عبارتها، مجدداً می‌گوید: «وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ أَرْسَلَهُ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَ نَذِيرًا بَيْنَ يَدَيِ السَّاعَةِ أَشْهَدُ أَنَّ رَبِّي نِعَمَ الرَّبِّ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا نِعَمَ الرَّسُولِ» سپس می‌گوید: «وَأَشْهَدُ أَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَ أَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ»<sup>۱۳</sup> و شهادت می‌دهم که قیامت آمدنی است؛ خواهد آمد و تردیدی در آن نیست. و اینکه خدای متعال همه‌ی کسانی را که در قبرها هستند، برمی‌انگیزاند و از قبرها مبعوث می‌کند. «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَ مَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْ لَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ» حمد سزاوار خدایی است که ما را به این حقایق هدایت کرد و رهنمون شد و اگر نبود هدایت الهی، ما به این حقایق راه نمی‌بردیم. «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»<sup>۱۴</sup> حمد سزاوار خداست که پروردگار جهانیان است. «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ سَلِّمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ تَرَحَّمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ وَ تَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ؛ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَ "اغْفِرْ لَنَا وَ لِأَخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَ لَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ".<sup>۱۵</sup> اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اْمْنُنْ عَلَيَّ بِالْجَنَّةِ وَ عَافِنِي مِنَ النَّارِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ "وَ لِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا ... وَ لَا تَزِدْ

۱۳. سوره‌ی حج، آیه‌ی ۷.

۱۴. سوره‌ی حمد، آیه‌ی ۲.

۱۵. سوره‌ی حشر، آیه‌ی ۱۰.

الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا.<sup>۱۶</sup>»<sup>۱۷</sup> یعنی خدای من! بر پیامبر و خاندان او علیهم السلام درود بفرست و برکات را نصیب پیامبر و خاندان او علیهم السلام بگردان و سلام خودت و سلامت را نصیب و نثار پیامبر و خاندان او علیهم السلام قرار بده و رحمت خود را شامل حال پیامبر و خاندان او علیهم السلام بگردان؛ همان گونه که صلوات فرستادی و برکات و رحمت دادی به ابراهیم و خاندان ابراهیم علیهم السلام. هر آینه تو ستوده و صاحب مجدی. خدایا! بر پیامبر و خاندان ایشان علیهم السلام درود بفرست و ما و برادران ما را که در ایمان بر ما سبقت جستند، ببخش. (چه مؤمنانی که قبل از ما، در سال‌ها و قرون گذشته بوده‌اند و چه مؤمنانی که هم‌زمان ما هستند؛ اما در ایمان بر ما سبقت داشتند و دارند؛ آنها را ببخش.) و در قلب‌های ما هیچ کدورت و دلخوری‌یی نسبت به هیچ مؤمنی قرار نده. دل‌هایمان صاف باشد و همه‌ی مؤمنین را دوست بداریم. هر آینه تو مهربان و رحیم هستی. خدایا! بر پیامبر و خاندان او علیهم السلام درود بفرست و با عطا کردن بهشت به من، بر من منت بنه و مرا از آتش دوزخ معاف بدار. خدایا! بر پیغمبر اسلام و خاندان او علیهم السلام درود بفرست و همه‌ی مردان و زنان مؤمن و هرکس را که به خانه‌ی من وارد شده و مهمان من گردیده است، ببخش (چه کسی که به خانه‌ی گل من و چه شخصی که به خانه‌ی دل من راه پیدا کرده و مؤمن بوده است. یک تعبیر از مؤمن این است که به خدا و پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام ایمان داشته است. تعبیر دیگر هم این است که بی‌غرض وارد خانه‌ی من شده؛ با امنیت آمده است. یا به خود من مؤمن بوده؛ به راستی مرا قبول داشته؛ مرا با دلش دوست داشته و از سر دوستی و محبت وارد خانه‌ی

<sup>۱۶</sup>. سوره‌ی نوح، آیه‌ی ۲۸.

<sup>۱۷</sup>. حرّعاملی، وسائل الشّیعة، ج ۶، ص ۳۹۴ و مجلسی، بحار، ج ۸۲، ص ۲۹۰ و طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۱۰۰.



من شده است. همه‌ی این معانی را دارد.) خدایا! اینها را هم ببخش و به ظالمین هم جز نابودی و تباهی چیزی نیفزای.

این ذکر غنیّ تشهد رکعت آخر است؛ که نمازگزار بعد از آن، سلام می‌دهد. سلام نماز بحث بعدی ما خواهد بود؛ که اگر عمری بود وارد آن بحث خواهیم شد.

این ادب ظاهری تشهّد؛ که البته غالب ما به این تفصیل موقّف نیستیم؛ ولی اگر علاوه بر واجبات، در همان حدّ که می‌توانیم، از اذکار مستحبّی هم بهره ببریم؛ عملمان را در پیشگاه خدای متعال زیباتر، غنی‌تر و پذیرفتنی‌تر و برای خودمان تأثیرگذارتر و رشدآفرین‌تر کرده‌ایم

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ